



# شهادای مدافع حرم پرچمداران عزت و شرف هستند

امروز فرزندان از نسل امام حسین (ع) و عاشورا از کشورهای مختلف از جمله کشور عزیزمان و در قالب جبهه مقاومت اسلامی در برابر ظالمان و در دیار غربت، عاشقانه و صادقانه از حریم پاک حرم آل الله دفاع می کنند و در شمار لشکر حق با سپاه باطل به مبارزه ای صادقانه، عاشقانه و بی امان ادامه می دهند و در این راه پاک و نورانی یا می کشند و یا کشته می شوند.

در میان همه مخلوقات پروردگار، انسان است که هم صاحب اختیار است و هم بر اساس غریزه عمل می کند و هم اوست که اشرف مخلوقات عالم خلق شده است و هم امانتدار امانت الهی است و به حکم اینکه هنر خداوند است و مظهری از جمال و جلال الهی - دارای رسالتی عظیم است.

از یک طرف در برابر خدایش مسئول است و از طرفی در برابر هموعانش و همچنین در برابر خود. بی حکمت نیست که خداوند لایزال می فرماید: من در آسمانها و زمین نمی گنجم اما در قلب مؤمن جای می گیرم؛ سخن کوتاه این که رسالت انسان در مدت کوتاه حیات دنیوی بسی مهم است و خطیر.

گرچه انسان در مسیر حیات دنیوی، همواره به دنبال تحصیل لذت، کسب زیبایی و درک حقیقت است. لذا هرچه معرفت، دانایی و آگاهی اش افزونتر باشد، تعالی اش به سوی کمال بیشتر خواهد شد و هرچه متعالی تر باشد، بلند همت تر خواهد بود و بنابر فرمایش امیر مؤمنان امام علی (ع) شرافت انسان به همتهای بلند است و نه به استخوانهای پوسیده، و باز می فرماید که کردار زیبا از بلندی همت خبر می دهد.

و البته در تعریف علو همت آمده است که؛ عبارت است از سعی و کوشش در تحصیل سعادت و کمال و طلب کردن نمادهای بزرگ و عالی، بدون در نظر گرفتن سود و زیان دنیوی، بطوری که به سبب دست یافتن به منافع دنیوی، شادمان نشود و از فقدان آن اندوهگین نگردد؛ بلکه در طریق طلب، از مرگ و کشته شدن و مانند آن باکی نداشته باشد.

بلندهمتان تاریخ برای کسب سود و زیان دنیوی تلاش نمی کنند. آنان در راه تعالی جامعه از مرگ نمی هراسند. از جمله این بلند همتان همواره روزگار شهیدانند که در میدان مبارزه و جهاد با دشمن، برای آسایش و آرامش مردم جامعه خود، برای دفاع از حقیقت و برای دفاع از سرزمین و برای احیاء و گسترش دین و فضیلتهای آن از جان عزیز خود می گذرند تا همچون خورشید، محفل تاریک بشریت را روشن نمایند.

شهیدان گرچه با عبور از پل مرگ در راه خدا از دنیا به خدا می رسند و به سعادت ابدی دست می یابند، از طرفی دیگر شناساننده این حقیقت به دیگرانند که از جمله طریق سعادت مندی، شهادت است.

مگر نه این است که شهید خود شاهد است و گواه، و خود دلیل است و برهان و مگر نه این است که شهادتش جامعه ای را به تفکر باز می دارد که: این چه همت بلندی است و چه روح بزرگی که از خود فانی و در راه خدا باقی شد و عزت و سعادت را برای مردمش، دینش، کشورش و آرمانهایش رقم زد و با نوشیدن شهد گوارای شهادت به لذت مقدس دست یافت. لذت مقدس یا همان لذت معنوی که در زمره بالاترین و شیرین ترین و البته زیباترین نوع از لذت است که صاحبانش بلا واسطه با خوشامدگویی ملائکه خداوند روانه بهشت جاویدان می شوند و به وصال محبوب ازلی و ابدی بار می یابند؛ از جمله این سرو قامتان فرشته سیرت، در این عصر و زمانه شهیدان مدافع حرمند. مگر نه این است که اینان چگونه زیستن و چگونه (مردن) را خود انتخاب کرده اند؟

امروز که جبهه ظلم به منظور مقابله با اسلام ناب در قامت اسلام بدلی و اسلام وارونه، در لباس داعش مزدور ظاهر شده است و با حمایت برخی از کشورهای به صورت اسلامی و البته به سیرت شیطانی، در تلاش است تا انوار رحمت و حکمت و هدایت معنوی اسلام محمدی (ص) و علوی (ع)، یعنی به حریم حرمهای آل الله در شام و عراق جسارت نماید و اما... چه خیالی باطل. امروز فرزندان از نسل امام حسین (ع) و عاشورا از کشورهای مختلف از جمله کشور عزیزمان و در قالب جبهه مقاومت اسلامی در برابر ظالمان و در دیار غربت، عاشقانه و صادقانه از حریم پاک حرم آل الله دفاع می کنند و در شمار لشکر حق با سپاه باطل به مبارزه ای صادقانه، عاشقانه و بی امان ادامه می دهند و در این راه پاک و نورانی یا می کشند و یا کشته می شوند. در هر دو حال - موجبات رحمت پروردگار و خیر و نعمت کثیر را برای خود و جامعه خود به ارمغان می آورند. اینان تحفه الهی بر جامعه اند - و پرچمداران عزت و شرف روزگاران - و این روزها در جای جای کشور و از جمله استان لاله پرور مازندران، عطر دلنواز شهیدان حرم به مشام جان می رسد و یاد جانان فرشته سیرت، جامعه ای را به صراط نور فرا می خواند که ایها الناس بدانید که ما تا آخرین نفس از حریم حرم محافظت کرده ایم و این شمائید و ادامه راه و همچنان این ندا در ضمیر جان زمزمه می شود که:

گویا بجز شهیدان، محرم در این حرم نیست  
خواهان جام غم است، محتاج جام جم نیست  
از این قبیل مردان در این قبیله کم نیست

از گلشن شهادت، پروردگار، گل چید  
هر کس ز دست ساقی، جام وصال گیرد  
مردی اگر بخون خفت از این قبیله غم نیست

